

تبیین مفهوم «قدرت شهر» و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران

زهرا نژادبهرام^{۱*} - سید مصطفی جلیلی^۲

۱. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی لندن، انگلستان (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۸ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۲/۲۰ تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۳۰

چکیده

قدرت شهر به معنای مجموعه‌ای از قانونمندی‌های حاکم در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی و دانشی است که طی فرآیندی تاریخی و رفت و برگشت‌های میان سطوح روابط قدرت در درون شهر، کلیتی یکپارچه در مقیاس شهر به خود گرفته است. مقاله حاضر در پی کشف این مفهوم از میان مفاهیم مرتبط با آن و تمیز دادن مفهوم قدرت شهر با مفاهیم مشابه آن است که ماحصل آن شکل‌گیری مؤلفه جدید و اثرگذار در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه شهری است که ضرورت دارد حضور آن به رسمیت شناخته شده و اثر آن در حمایت یا مقاومت در برابر آن‌ها فهم شود. درک ناقص از شهر به‌عنوان موجودیتی واجد قدرت و اثرگذار در فرآیندهای توسعه شهری مسئله پایه‌ای این گفتار است که با موردکاوی تهران گره می‌خورد. در این راستا با اتکاء به روش‌شناسی کیفی و شیوه داده‌پردازی اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای، مباحث نظری مرور شده و در ادامه مصادیق عینی شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ضروری است متولیان امر توسعه شهری، قدرت شهر را به معنای مجموعه قانونمندی‌ها در ابعاد نهادی، ساختاری، مدیریتی، رفتاری و کالبدی و هم‌چنین در حوزه دانش شهری حاکم بر فعالیت‌های خود به رسمیت شناخته و به‌عنوان یک مؤلفه جدید در تصمیمات، برنامه‌ها و اجرای آن‌ها در نظر بگیرند. فهم اثرگذاری قدرت شهر در فرآیندهای توسعه شهری نگاه جدیدی را به دست‌اندرکاران نظام مدیریت شهری در موضوعات متناسب با حوزه وظایف و اختیارات آنان داده که می‌توانند با اتکاء به آن تحلیلی متفاوت از داده‌ها و نتایج را به کار گیرند.

واژگان کلیدی: قدرت شهر، قانونمندی‌های حاکم، دانش شهر، فرآیند توسعه شهری، تهران.

۱. مقدمه

نقاط اتکاء نظریه‌پردازان متأخر برنامه‌ریزی شهری نظیر فورستر^۱ (۱۹۸۹، ۱۹۹۹) هیلی^۲ (۱۹۹۷، ۱۹۹۲b، ۱۹۹۲a)، اینس^۳ (۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰) و ساندرکوک^۴ (۱۹۹۸) بر برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر تشریح مساعی، ارتباطی اجماع محور، گفت و گویی و گویی و سیاسی است (Hill-ier, 2003). بر این مبنا بازیگران و کنشگران شهری دور یک میز جمع شده و بر تصمیمات و برنامه‌های توسعه شهری اثرگذاری می‌کنند. در یک فراگرد مفهومی پرسش این است که آیا شهر نمی‌تواند فارغ از سایر بازیگران و کنشگران شهری هویتی مستقل در عین حال وابسته داشته باشد؟ بسیاری از جملاتی که امروزه چه در عرف و چه در جامعه تخصصی به شهر اطلاق می‌شود نظیر این که شهر به سمت رونق و شکوفایی پیش رفته است، شهر در حال ورشکستگی است، این شهر قدمت هزار ساله دارد، شهر آلوده شده است، این شهر دیگر جای زندگی نیست، جملاتی نیستند که قلمرو خاصی از شهر یا بازیگران خاصی از آن را هدف قرار داده باشند، بلکه به کلیتی اشاره می‌کنند که در اذهان شهروندان شکل گرفته است. در این زمینه آیا نمی‌توان این کلیت را با موردکاوی مفهوم‌پردازی کرده و آن را صاحب قدرت دانست؟ به نظر می‌رسد شهر به‌عنوان کلیت صاحب قدرت دارای زبان گفت‌وگویی خاص خویش است و زبان این گفت‌وگو در برخی مواقع می‌تواند مقاومت او در برابر تصمیمات و برنامه‌های مدیریت شهری باشد. در کنار گفت‌وگوهای شهری، قدرت شهر انضباط آفرین است و با مجموعه قانونمندی‌ها و دانشی که در درون خود تعریف کرده به کنش‌ها و رفتارهای بازیگران شهری و هم‌چنین سازمان کالبدی شهر خط می‌دهد و آن‌ها را مقید به قانونمندی‌ها و دانش خود می‌کند. موضوع حاضر ابتدا با طرح مسئله به پیش می‌رود، سپس با مرور اجمالی ادبیات پژوهش تبیین پیدا کرده و پس از آن با بیان بستر فضایی-کالبدی آن و مصادیق اعمال قدرت شهر، تدقیق می‌شود. در این مقاله، با روش کیفی، متضمن بررسی ادبیات در پاسخ به پرسش‌های پژوهش اقدام می‌شود. روش از آن نظر کیفی است که مستقیماً به ارقام خاصی چه در بیان مسئله و چه در توصیف شرایط اشاره نمی‌شود، بلکه داده‌های متنی و اسنادی با شیوه‌های توصیفی و تحلیلی به سوی یافته‌اندوزی میل می‌کنند. داده‌ها و اطلاعات، مبانی یافته‌اندوزی کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و شهر تهران بستر موردکاوی است. هم‌چنین نوع پژوهش کاربردی بوده و یافته‌های پژوهش در فرآیند سیاست‌گذاری شهر تهران قابلیت بهره‌برداری دارد.

۲. بیان مسئله

با مروری بر ادبیات نظری موجود در تبیین مفاهیم به هم مرتبط قدرت، قدرت شهری و قدرت بهره‌وران شهری می‌توان به کاستی مفهوم‌پردازی موضوعی با عنوان «قدرت

شهر» پی برد. واقعیت آن است که علی‌رغم تأکیدات بسیاری از صاحب‌نظران عملگرا، به قدرت شهر به‌عنوان یک موجود دارای هویت متشکل و گفتگو پرداز اثرگذار اهمیت درخوری داده نشده است. ادبیات نظری مرتبط با موضوع حاضر، ضمن آن‌که قادر است بستری از تبیین موضوع «قدرت شهر» را داشته باشد، اما غالباً به رابطه قدرت، مفهوم قدرت در شهر و عناصر صاحب قدرت اشاره دارد. غالب پژوهش‌های مرتبط در این زمینه، به روابط قدرت در درون شهر پرداخته‌اند در حالی که مفهوم قدرت شهر فراتر از مفهوم روابط بهره‌وران در حوزه قدرت است. به نظر می‌رسد مفهوم «قدرت شهر» و هویت متمایز آن که دارای اثرات و پیامدهای منحصر به خود است، به درستی و موشکافانه تبیین نشده است، بنابراین نیاز است تا پس از مرور مباحث نظری موجود، ضمن تفکیک میان مفاهیم «قدرت شهری یک شهر»، «قدرت در شهر» و «قدرت شهری بهره‌وران یا بهره‌وران قدرت شهری» به تبیین «قدرت شهر» و آثار و پیامدهای آن در نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه شهری پرداخت. بعد دیگر مسأله در درک ناقص از شهر به‌عنوان موجودیتی صاحب قدرت و اثرگذار در فرآیندهای توسعه شهری از جانب سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه شهری است که این درک ناقص سبب می‌شود به‌طور مثال تصمیمات آن‌ها در حوزه اجرا سالیان سال ابتر مانده و پیشرفتی در تحقق برنامه‌های خود نداشته باشند.

۳. مفاهیم پژوهش

در این بخش ابتدا مفاهیم مرتبط با قدرت در ادبیات نظری مطالعات قدرت شهری آورده شده و پس از آن نظریات اختصاصی مطالعات قدرت شهری به اختصار بیان شده است، در ادامه نیز تلاش شده تا مفهوم قدرت شهر تبیین شود.

۳-۱- مفهوم قدرت

واژه قدرت با سلطه^۵ که نوعی سیادت و کنترل را در بردارد، قرابت دارد. مفهوم قدرت با مفهوم اقتدار نیز همسایه دیوار به دیوار است، با این حال اقتدار^۶ به حوزه هنجاری اشاره دارد و بر نوعی رضایت و اختیار دلالت می‌کند. در حالی که قدرت از ابهام بهره می‌گیرد (Haghighat, 2002, p. 18). برای بررسی قدرت در جامعه از تعریف سیاست می‌توان شروع کرد، به عقیده لاسول^۷ سیاست عبارت است از این که چه کسی، چه چیزی را کی و چگونه به‌دست می‌آورد. آنچه افراد و گروه‌ها به‌دست می‌آورند نتیجه اعمال خود و دیگران، ناشی از شیوه سازماندهی جامعه و قوانین و مقررات پذیرفته شده‌ای است که بر انجام امور حاکم شده‌اند. در واقع برای تبیین آن‌که چگونه کسی چیزی را به‌دست می‌آورد می‌توان علل و پیامدهای ناشی از فعالیت

قدرت مفهومی درونی یا ظرفیتی است به معنای ظرفیت یا توانایی انجام کاری را داشتن و این خصیصه بررسی قدرت را دشوار می‌کند؛ زیرا خصوصیات ظرفیتی اساساً غیر عملی‌اند یعنی به آن چیزی اشاره دارند که می‌تواند باشد (به‌صورت بالقوه) نه آن چیزی که هست (به صورت بالفعل). در نتیجه دشواری بررسی قدرت به آن است که شاید ناگزیر باشیم قدرت بهره‌وران را کشف کنیم بدون آن که آن‌ها را در حال اعمال قدرت ببینیم و علت این موضوع آن است که آن‌ها همواره تمام قدرت خود را اعمال نمی‌کنند. هم‌چنین ماهیت فرآیند سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای است که بعضی بهره‌وران سعی می‌کنند قدرت خود را به دور از چشمان جستجوگر ناظرین اعمال کنند. بنابراین قدرت بیش‌تر به شیوه نظری مورد بحث قرار می‌گیرد تا تجربی (Ibid, pp. 9-10). در جدول ۱ گروه‌بندی مفهوم قدرت از منظر صاحب‌نظران این حوزه آورده شده است.

اجتماعی را بررسی کرد. به منظور بیان این تفسیر علی که چگونه یک فرد یا گروه یا جریانی معین به نتیجه مطلوب می‌رسند لازم است مواردی مدنظر قرار گیرد که عبارت‌اند از: ماهیت و نحوه شکل‌گیری قوانین و قواعدی که مردم بر اساس آن رفتار می‌کنند؛ تمرکز در امر نهادها؛ نحوه ایجاد ساختارهای جامعه و چگونگی ایجاد این ساختارها و توصیف و تبیین جزئیات رفتار بهره‌وران (تأکید بر جنبه‌های رفتاری). بیان چنین روایتی از سیاست و بررسی موارد بالا بیان داستان قدرت در جامعه است و این داستان ماهیت ساختار قدرت و قدرت بهره‌وران را برای ما بازگو می‌کند. مفهوم «قدرت» با مفهوم «علت» ارتباط تنگاتنگی دارد با این حال از یکدیگر متمایز می‌شوند همچنان که قدرت بر منابع استوار است اما با منابع فرق دارد گروه‌هایی ممکن است ثروتمند باشند اما خودشان قدرتی نداشته باشند و یا قدرتمند باشند و از طریق عملکرد ساختار قدرت منافع را کسب کنند بدون آن که خودشان به اعمال قدرت بپردازند (Dowding, 1996, pp. 5-9).

جدول ۱: گروه‌بندی مفهوم قدرت

صاحب نظر	طبقه‌بندی مفهومی
راسل	- مفهومی ذاتی است و به خودی خود وجود داشته است.
وبر	- مفهومی ارتباطی است که به رابطه آمر و مأمور و یا دولت و مردم مربوط می‌شود.
فوکو	- متکثر بوده و انبوهی از کنشگران صاحب قدرت در مقیاس خرد وجود دارند که اعمال قدرت می‌کنند.
	- هم مفهومی منفی و مبتنی بر زور است و هم مفهومی مثبت و توان‌ده است.
	- امری رقابتی است که از حقیقت به نحو گزینشی استفاده می‌کند.
	- دانش تولید می‌کند و دانش و قدرت مستقیماً متضمن یکدیگرند.
	- انضباط آفرین است و انضباط به معنای سازوکاری برای سازمان‌دهی افراد در مکان است.
دودینگ	- قدرت پیامدی: توانایی کنشگر برای آن که پیامدهایی را ایجاد و یا به ایجاد آن‌ها کمک کند.
	- قدرت اجتماعی: توانایی کنشگر برای تغییر ساختار انگیزشی کنشگر یا بهره‌وران دیگر به گونه‌ای تعمدی تا به بروز پیامدهایی منجر شود یا به ایجاد آن‌ها کمک کند.

(Haghighat, 2002, pp. 129-131; Dowding, 1996, pp. 10-11; Hillier, 2003)

۳-۲- مفهوم «قدرت شهری یک شهر»

پس از بیان مفهوم قدرت، ضروری است مفهوم قدرت شهری یک شهر به‌طور مثال قدرت شهر تهران، قدرت شهر استانبول یا قدرت شهر لندن مورد بحث قرار گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به این که کتب و مقالات متعدد در موضوعات مختلف شهری از نومنطقه‌گرایی تا جهانی‌شدن و نئولیبرالیسم تا معاصر سازی ورود کرده‌اند به نظر می‌رسد مسئله (موضوع) قدرت شهری مانند سایر موضوعات فراگیر معاصر مطالعات شهری خیلی غایب نبوده و به خصوص به‌عنوان زیر بخش جغرافیای سیاسی، سیاست شهری و سیاست، اقتصاد سیاسی شهری، جامعه‌شناسی سیاسی شهری، انسان‌شناسی

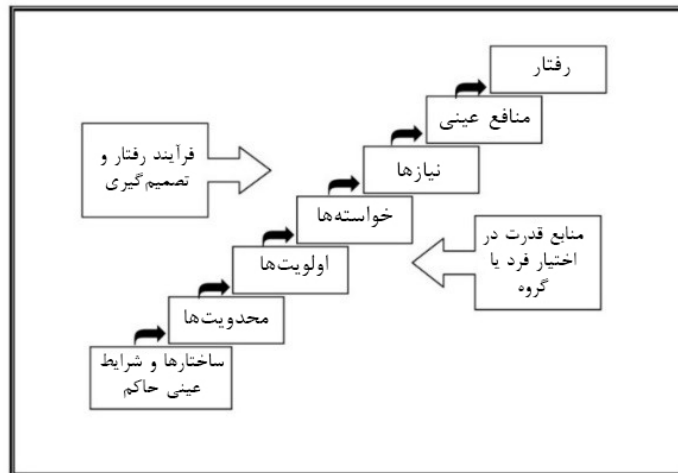
شهری، مطالعات مهاجرات آورده شده است. با این وجود در میان این تلاش‌های ذهنی و متنوع، به طرز غیرقابل انتظاری پیدا کردن مقالات یا فصل‌هایی مختص مسئله (موضوع) قدرت شهری که با آن سرو کار داشته باشد، سخت می‌باشد (Parker, 2011, p. 4). هنگامی که در مورد این که چرا شهرها دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی خاص خود هستند و چرا در شهرهای مختلف اختلاف بسیار زیادی در سطوح درآمدی، تبعیض، امنیت انسانی، کیفیت محیطی آشکار می‌شود، سخن گفته می‌شود، باید به ناچار به جنبه‌هایی از نظام قدرت شهری ارجاع داده شویم و دلایل این اختلاف را در آن‌جا یافت (Ibid, p. 5). این دیدگاه می‌تواند به ایجاد مفهومی معادل

۳-۳- مفاهیم «قدرت در شهر» و «قدرت شهری بهره‌وران»

مفهوم «قدرت در شهر» به مجموعه روابط قدرت که در سطوح مختلف درون شهری در مقیاس‌های مختلف خرده فضاها تا مقیاس مناطق شهری در تقابل یا اثرگذاری بر یکدیگر هستند، دلالت می‌کند. بنابراین، حد جغرافیایی این مفهوم مرز محدوده‌های یک شهر است. مجموعه روابط قدرت حاکم در یک محله یا منطقه شهری می‌تواند متمایز از محلات دیگر باشد. تفاوت میان این دو نوع روابط در تعریف مفهوم «قدرت شهری بهره‌وران» یا «بهره‌وران قدرت شهری» نهفته است. به‌کارگیری واژه شهری در مفهوم «قدرت شهری بهره‌وران» پاسخ به موضوع کجایی اعمال قدرت بهره‌وران و اثرگذاری آن بر قلمروهای فضایی و عرصه‌های عمومی در شهر است. یکی از راه‌های مفید برای تشخیص و تبیین ساختار قدرت در شهر، شناسایی گروه‌های بهره‌وران است. بهره‌وران قدرت شهری را می‌توان فرد، گروه و یا سازمانی دانست که با استفاده از منابع و ظرفیت‌هایی که در اختیار خود دارد و از طریق ارتباط و رفتاری که با دیگران دارند می‌توانند بر تصمیم‌سازی‌ها، سیاستگذاری‌ها، اقدامات و رفتار سایر بهره‌وران شهری هرچند اندک تأثیرگذار باشد.

قدرت شهری یک شهر کمک کند. قدرت شهری یک شهر برآمده از ویژگی‌های خاص آن بوده که برپایه آن‌ها یک شهر می‌تواند با سایر شهرها به رقابت بپردازد. کما این که در موضوع رقابت‌پذیری شهری، شهرهای مختلف نظیر تهران، استانبول و لندن براساس مؤلفه‌های مختلف رتبه‌بندی شده و شهری که بالاترین رتبه را بیاورد، قدرتمندترین شهر شناخته می‌شود. گرچه، طرح مفهوم «قدرت شهری یک شهر» با مفهوم «قدرت شهر» قرابت بسیاری دارد با این حال در این پژوهش از زاویه دیگری در مفهوم‌سازی «قدرت شهر» ورود شده که در بخش مدل مفهومی به آن می‌شود. مطالعه نظام قدرت شهری هم‌چنین می‌تواند بر اساس منطق موقعیت و پذیرش تکثر و تنوع بهره‌وران، منابع، اولویت‌ها، شیوه‌ها، حوزه‌ها و برآیندها صورت پذیرد. در شهرها جایی که بازی قدرت بین گروه‌های رسمی و غیررسمی به منظور نفوذ در ماهیت و عملیات نهادهای محلی در جریان است معمولاً توزیع قدرت نامتوازن است و این بی‌توازن بودن در کلانشهرها و مناطق کلانشهری به دلیل تنوع در اهداف، سازمان‌ها، فرم‌های نهادی و روابط بین حوزه‌های حکومتی بیش‌تر می‌باشد (Kazemian, 2004, p. 85).

شکل ۱: فرآیند تبیین رفتار بهره‌وران بر اساس منطق موقعیت



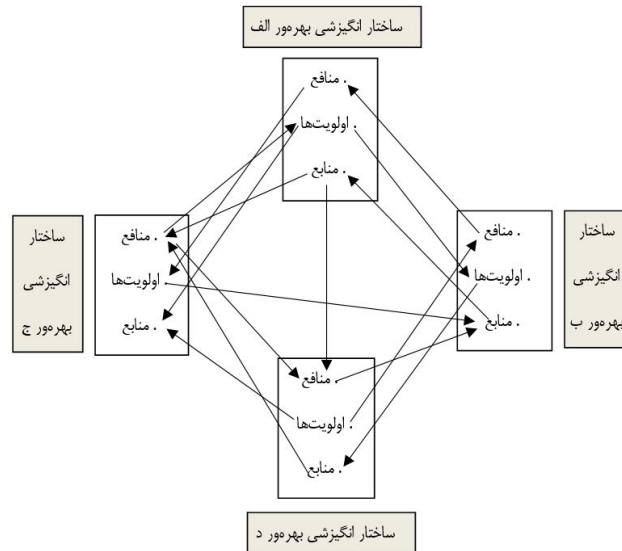
(Kazemian, 2004, p. 34)

سپس با توجه به توانایی و ظرفیت تأثیرگذاری بهره‌وران بر ساختارهای انگیزشی یکدیگر که اعمال آن می‌تواند باعث تغییر در افکار و رفتار بهره‌ور دیگر شود، می‌توان قدرت هر بهره‌ور را تا حدودی مشخص کرد. با این وجود به هر میزان که بازیگری توانایی بیش‌تری در تأثیرگذاری بر جعبه ساختار انگیزشی و پارامترهای آن داشته باشد از قدرت اجتماعی بالاتری برخوردار است. در شکل ۲ به صورت فرضی روابط قدرت به تصویر کشیده شده است.

رفتار بهره‌وران تابعی از جایگاه رسمی، پایگاه اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی، نقش‌های اجتماعی، گرایش‌ها و نگرش‌های عینی و ذهنی حاکم بر بهره‌وران در چارچوب منطق موقعیت می‌باشد (Kazemian, 2004, p. 87). این منطق در شکل ۱ آورده شده است.

برای فهم قدرت شهری بهره‌وران مختلف نیاز است تا ابتدا منابع، اولویت‌ها، منابع و خصوصیات دیگر آنان در جعبه‌ای به نام ساختار انگیزشی تعریف شود. در نتیجه قدم اول مشخص کردن این ساختار و چگونگی عملکرد آن است،

شکل ۲: روابط فرضی قدرت شهری میان بهره‌وران



بهره‌وری و سود شخصی خود می‌باشد. این نظریه بر سه عنصر افراد، سازمان‌ها و کالاهای عمومی استوار است. نظریه تیבות که «مردم با پاهای خود رأی می‌دهند» توضیح‌دهنده این تئوری می‌باشد که مردم شهرهایی را انتخاب می‌کنند که خدمات مطلوب‌تری با مالیات پایین‌تر ارائه دهند (Parhizkar & Kazemian, 2005, p. 34).

۴-۲- نظریه مطالعات قدرت در اجتماعات محلی

نظریه‌های مطالعات قدرت در اجتماعات محلی با این مسئله که چه کسی یا گروهی شهر را کنترل و فرماندهی می‌کنند، رو به رویند، سه دیدگاه مختلف در این زمینه عبارت‌اند از: دیدگاه‌های نخبه‌گرا، کثرت‌گرا و مدیریت‌گرا. دیدگاه نخست حاصل تلاش فلویید هانتز در مطالعات آتلانتا در دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که بر باور وی شهرها را برخی نخبگان ذی‌نفوذ کنترل می‌کنند. دیدگاه مخالف این دیدگاه در نظریه‌های تحلیل‌گرانی چون رابرت داهل دیده می‌شود، وی اعتقاد دارد منافع کثرت‌گرا در سیاست محلی منعکس می‌شود و به رغم حضور گروه منتخبی از افراد تأثیرگذار، بسیاری از منافع و مصالح جامعه در سیاست محلی مشخص شود. با این وجود امروزه مشخص شده است که هیأت‌های حاکمه محلی غالباً ترکیبی از منافع اجتماع و نخبگان می‌باشند و نیازی نیست که افراد بانفوذ و قدرتمند تمام تصمیمات را کنترل کنند و آنان صرفاً زمانی مداخله می‌کنند که مسائل فوری و ضروری شان در معرض خطر باشد، این شرایط، فضا را به سمت مطرح شدن نظریه رژیم شهری و ترکیب منافع اقلیت قدرتمند و اکثریت با قدرت کم می‌برد. دیدگاه دیگری نیز بر این باور است که مدیران و کارمندان دولت نیز احتمالاً منافع مستقلی دارند و دیدگاه مدیریت‌گرای دولتی در درک سیاست محلی مهم به شمار می‌رود (Gottdiener & Budd, 2005, p. 274).

۴-۱. نظریه‌های اختصاصی مطالعه قدرت شهری

نظریه‌های قدرت شهری را می‌توان در یک دسته‌بندی اولیه با سه دیدگاه مورد ملاحظه قرارداد که عبارت‌اند از: ۱. دیدگاه مورد قبول جامعه‌شناسان پیش از دهه ۱۹۶۰: در این دیدگاه قدرت شهری متناسب به نخبگان اقتصادی و اجتماعی شهر می‌شود؛ ۲. دیدگاه کثرت‌گرایان: معتقدند هیچ گروهی در شهر وجود ندارد که به‌طور کامل کنترل و هدایت شهر را در دست بگیرد و مدل پیچیده‌ای از منافع و داد و ستد میان گروه‌های مختلف گرداگرد تصمیمات و بحث‌های سیاسی شهر، ساختار قدرت شهری را تعریف می‌کند؛ ۳. دیدگاه ساختارگرایان و نئومارکسیست‌ها: معتقدند ساختارهای کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کنترل و فرماندهی شهرها را بر عهده دارند و ساختار قدرت شهری تابع ساختارهای کلان است (Mollenkopf, 1994, pp. 99-103). این دسته‌بندی گویای رویکردهای نظری مختلف به موضوع قدرت شهر است. در طبقه‌بندی دیگری نیز می‌توان نظریه‌های اختصاصی مطالعه قدرت شهری را به گونه ذیل آورد که عبارت‌اند از: ۱. نظریه انتخاب عمومی؛ ۲. نظریه مطالعات قدرت در اجتماعات محلی (نظریه نخبه‌گرایی، تئوری ماشین رشد، تئوری کثرت‌گرایی، تئوری رژیم شهری) و ۳. نظریه اقتصاد سیاسی (تحلیل‌های نئومارکسیستی و تئوری تنظیم) (Parhizkar & Kazemian, 2005, p. 39). در ادامه نظریه‌های عنوان شده به اختصار توضیح داده شده‌اند.

۴-۱-۱. نظریه انتخاب عمومی

این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی و در ایالت متحده بسط یافت. در ساده‌ترین مدل و شکل ممکن، این نظریه در حقیقت کاربرد روش‌های اقتصاد مدرن در مطالعه فرآیندهای سیاسی است. مطابق این تئوری، تصمیمات و اقدامات اشخاص خردگرایانه و در پی بیشینه‌سازی

۴-۳- نظریه اقتصاد سیاسی

رویکرد اقتصاد سیاسی خلاف نظریه‌های مطالعات قدرت در اجتماعات محلی مدعی است که تنها با تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری تمام داستان روایت نمی‌شود، زیرا مدیریت شهری در عمل از استقلال اندکی در تصمیم‌گیری برخوردار است. در این دیدگاه بر ویژگی‌های ساختار روابط اقتصادی به ویژه فرآیند انباشت سرمایه، تولیدات و مصارف و نحوه برخورد این نیروها با هم توجه می‌کند. در این زمینه رویکردهای مختلفی وجود دارد همچون تحلیل‌های نئومارکسیستی و مکتب تنظیم که الزامات گذار شهر به اقتصاد پست فوردیستی را فراهم می‌کند (Ibid, p. 35).

۵. روابط تولید/ بازتولید قدرت- فضای شهری در چارچوب اقتصاد سیاسی فضا

عرصه بروز و ظهور قدرت شهری در فضای شهری است. با این حال فضای شهر نیز خنثی نبوده و خود مولد قدرت شهری است. تولید قدرت در فضا و به واسطه فضا، منحصر به شهرها نیز نبوده و در سایر مراکز سکونت‌گاهی نظیر روستاها و شهرک‌ها نیز این موضوع قابل تبیین است. با این حال، شهر به دلیل گستردگی، تنوع، پیچیدگی و جمعیت تحت پوشش آن نمونه مطالعاتی این پژوهش قرار گرفته است. به‌طور کل می‌توان گفت، فضا تقریباً در بررسی‌های تاریخی همواره به‌عنوان یک مؤلفه نادیده گرفته شده و یا در پس‌زمینه زندگی، بدیهی در نظر گرفته شده بود. تا این‌که از یک چهارم پایانی سده بیستم به این سو، با انتشار چندین متن و مطالعه مؤثر به‌ویژه در حوزه جغرافیای انسانی، فضا به شکل فزاینده‌ای هم‌چون مؤلفه‌ای بنیادی و مهم در تحلیل‌های اجتماعی به رسمیت شناخته شد. در حوزه مطالعات شهری نیز انتشار کتاب تولید فضا هانری لوفور در سال ۱۹۷۴ سبب شد تا گامی مؤثر از فهم نوین فضای شهری برداشته شود (Torkameh & Shirkhodaei, 2015, pp. 12-13). دیدگاه‌های لوفور در این بخش از مقاله در همراستا با نظریه اقتصاد سیاسی فضا به دلیل تناسب با موضوع مقاله مدنظر قرار گرفته است. تحلیل لوفور از تاریخ فضا هم‌چون فرآیندی قابل درک است که در آن شیوه‌های متفاوت تولید، فضای خاص خود را تولید می‌کند. از دید وی، هر شیوه‌ای از سازماندهی اجتماعی، محیطی را تولید می‌کند که برآیند روابط اجتماعی است که این شیوه سازماندهی اجتماعی در اختیار خود دارد. در این راستا، تداوم نظام سرمایه‌داری در سده بیستم، به سبب انعطاف در ساخت و بازسازی روابط فضاست، همان‌گونه که زندگی روزمره نیز به تسخیر سرمایه‌داری درآمده است. به بیان دیگر، فضا، محصول نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی (قلمرو قدرت)

است که به دنبال مرزبندی، تنظیم و کنترل فعالیت‌هایی هستند که در فضا و به واسطه آن رخ می‌دهد. از این سو، هژمونی سرمایه‌داری در فضا و به واسطه آن عملی شده تا نظم‌بخشی به جامعه از طریق مداخله در سازمان فضایی شهر تضمین شود. به‌طور کل، نظام حاکم و جامعه با تولید فضایی مطابق با ماهیت خاص خودش، نه تنها شکل مادی اشکال ساخته شده متمایز را به خود می‌گیرد بلکه خودش نیز با تولید چنین فضایی، بازتولید می‌شود. در این زمینه، فضا هم واسطه روابط اجتماعی است و هم تولیدی فیزیکی است که می‌تواند روابط اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهد. تمرکز لوفور بر این موضوع است که جوامع گوناگون چگونه در طول زمان از فضای خاص شده در شکل و معنا برخوردار بوده‌اند. وی این کار را با تمایز گذاشتن بین فضای انتزاعی و فضای اجتماعی انجام می‌دهد. فضای انتزاعی از برخورد دانش و قدرت شکل می‌گیرد. این فضا، فضای متعلق به افراد و نهادهایی است که خواهان کنترل سازماندهی اجتماعی هستند؛ از جمله حکمرانان سیاسی، شرکت‌های اقتصادی و برنامه‌ریزان شهری. فضای اجتماعی، در مقابل، برآمده از اقدام- عمل (پروکتیس) به معنای تجربه زیسته روزمره تمامی کنشگران شهری است که به صورت بیرونی و مادی در آمده است (Ibid, pp. 13). به بیان دیگر در فرآیند تولید فضا از دید لوفور باید به سه‌گانه آن اشاره کرد که عبارت‌اند از: فضاهای درک شده، فضاهای تصور شده و فضاهای زیسته. این سه‌گانه به این معناست که فضا موجودیتی پیچیده دارد و در تمامی سطوح روابط اجتماعی نفوذ می‌کند. بنابراین در ابتدا محیط فیزیکی ادراک می‌شود، سپس عناصر نشانه‌شناختی آن هم‌چون نقشه‌های ذهنی افراد و ترسیمات برنامه‌ریزان پدیدار می‌شود و در گام بعد تجربه‌های زیسته افراد در فضا موضوعیت پیدا می‌کند. در نهایت می‌توان گفت روابط اجتماعی، روابط فضایی هستند و نمی‌توان از یکی بدون دیگری سخن گفت (Gottdiener, 1993, p. 131). به نظر می‌رسد فهم نوین فضا که حاصل انگاره‌های ذهنی لوفور بوده قابل تعمیم به مفهوم قدرت شهر نیز هست، بنابراین می‌توان در ترسیم مدل مفهومی پژوهش که در ادامه بدان پرداخته شده از آن کمک گرفت.

۶. مدل مفهومی پژوهش؛ تبیین مفهوم «قدرت شهر»

تاکنون مفاهیم مختلف مرتبط با بحث حاضر و نظریات پیرامون آن مورد بررسی قرار گرفت، در اینجا نیاز است ابتدا در جدول ۲ وجوه افتراقی مفهوم قدرت شهر با سایر مفاهیم مشابه بررسی شود. در ادامه مفهوم قدرت شهر با تفصیل بیش‌تر تبیین شده است.

جدول ۲: وجوه افتراق مفاهیم مرتبط با قدرت و شهر

مفاهیم	تعاریف
قدرت در شهر	برآیند تعاملات و برساخته روابط قدرت کنشگران در شهر
قدرت شهری یک شهر	قدرت مقایسه‌ای میان شهرها در مقیاس بین‌المللی از منظر شاخص‌های رقابت‌پذیری شهری
قدرت بهره‌وران شهری	قدرت هر کدام از بهره‌وران شهری متناسب با منافع، منابع و اولویت‌ها
قدرت شهر	مجموعه قانونمندی‌ها و دانش حاکم بر معادلات سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری و مؤثر بر ابعاد هنجاری، بینشی و ذهنی کنشگران شهری در عرصه فضاهای شهری

هم‌پسند براساس خطوط فکری استخراجی از بخش نظری این پژوهش می‌توان پایه‌های نظری را در فرآیند مفهوم‌سازی «قدرت شهر» مشخص کرد که عبارت‌اند از: ۱. از منظر نظریه‌های عنوان شده در موضوع مطالعات قدرت در مقیاس محلی، از میان سه رویکرد نظری کلان نخبه‌گرایی، کثرت‌گرایی و اقتصاد سیاسی، رویکرد اقتصاد سیاسی به دلیل در نظر گرفتن ساختارهای کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و توانایی آن‌ها در کنترل و فرماندهی شهرها و این نکته کلیدی که ساختار قدرت شهری تابع ساختارهای کلان است، یکی از پایه‌های نظری مفهوم قدرت شهر را شکل می‌دهد.

۲. همچنان که دودینگ، در تعریف قدرت به دو نوع قدرت پیامدی و قدرت اجتماعی اشاره کرده و در تعریف قدرت اجتماعی آن را توانایی کنشگر برای تغییر ساختار انگیزشی کنشگر یا بهره‌وران دیگر به گونه‌ای تعمدی دانسته تا به بروز پیامدهایی منجر شود یا به ایجاد آن‌ها کمک کند، شهر نیز می‌تواند به منزله کلیتی صاحب قدرت در نظر گرفته شود.

۳. براساس دیدگاه فوکو نسبت به قدرت که آن را عنصری همه‌جایی و فرآیندی دیده است و از منظر وی دانش، قدرت می‌آفریند و قدرت، دانش مورد نظر خود را تولید می‌کند، به کارگیری دوگانه قدرت- دانش یکی دیگر از پایه‌های تبیین قدرت شهر است.

۴. هم‌چنین لوفور بر این نکته تأکید می‌کند که به‌طور کل، نظام حاکم و جامعه با تولید فضایی مطابق با ماهیت خاص خودش، نه تنها شکل مادی اشکال ساخته شده متمایز را به خود می‌گیرد بلکه خودش نیز با تولید چنین فضایی، بازتولید می‌شود. اگر در این گزاره نیز شهر به مثابه کلیتی صاحب قدرت در نظر گرفته شود، فضای متناسب با قانون‌مندی‌های خودش را تولید می‌کند.

بنابراین با الهام از دیدگاه‌های دودینگ، فوکو و لوفور می‌توان به تبیین مفهوم «قدرت شهر» پرداخت. با تکیه بر این نگاه‌ها، شهر موجودی است دارای قدرت که براساس دانش و قانون‌مندی‌های آن، قوانین و قواعد کلان برای اداره شهر تولید می‌کند که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. عملکرد قدرت در شهر و قدرت شهر دو اتفاق متفاوت است. عملکرد قدرت در شهر حاصلش تعارض و یا

همبستگی منافع است، اما عملکرد قدرت شهر فراتر از آن بوده و مجموعه عناصر تولیدکننده قدرت و روابط آن در سطح یا فضایی بازی می‌کنند که در مجموع، شهر نامیده می‌شود. این هویت معنا محور که عینیت هم دارد حاصل جمع عناصر درون فضای حادث شده است که می‌تواند یک مفهوم تازه رابطه‌ای از قدرت نسبت به خود شهر و عناصر آن ایجاد کند. در این مفهوم کنش ارتباطی میان ساختارها، سازمان‌ها و نهادها از یک سو و فرد با آن‌ها از سوی دیگر و فرد با فرد از سوی دیگر در قلمرو شهر تبیین مفهومی جدید به نام قدرت شهر را به‌وجود می‌آورد. در این راستا «قدرت شهر» را می‌توان بدان گونه تعریف کرد: «مجموعه قانونمندی‌های حاکم بر شهر که در فرآیند دائمی رفت و برگشت با دانش شهری و سطوح خرده قدرت‌ها (قدرت در شهر)، کل یکپارچه‌ای را با عنوان «قدرت شهر» تولید و بازتولید می‌کنند». قدرت شهر در فرآیند دائمی در ابعاد هنجاری، بینشی و ذهنی کنشگران شهری، در فضاهای شهری و در چگونگی رفتار و عملکردهای کنشگران در فضاهای شهری اثرگذاری کرده و اثرپذیری می‌کند.

در تعاریف عنوان شده به صراحت، شهر موجودیتی صاحب قدرت که بر تصمیمات کلیدی توسعه‌های شهر از جمله تعیین جهات توسعه، ظرفیت جمعیت‌پذیری، نوع فعالیت‌های قابل استقرار در شهر و اقتصاد شهر که موضوعاتی در مقیاس سیاست‌گذاری شهری است، نحوه برنامه‌ریزی برای توسعه شهری و تخصیص منابع و هم‌چنین اجرای پروژه‌های شهری در نظر گرفته نشده است. در تبیین واژه «قدرت شهر»، منظور هویتی است که برآیند صفت هویتی قدرت در خرده فضاها و ساختارهای موجود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی شهر باشد. صفات هویتی یاد شده که به شکل‌گیری تدریجی قانونمندی‌هایی در سطح کلان به‌صورت یکپارچه منتج شده و توانایی دستوردهی، کنترل و اثرگذاری بر تصمیمات، برنامه‌ها و سازوکارهای اجرایی موضوعات شهری دارد. قدرت شهر، مؤلفه‌ای است که ضرورت دارد سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان در میان مفاهیم و شاخص‌های مدنظر خود مورد توجه قرار دهند، گرچه قدرت شهری در ابتدا ملموس نبوده و مفهومی انتزاعی است اما راه‌حل نزدیک شدن به آن درک قانونمندی‌های حاکم بر شهر است، زمانی که فهم کلی از قدرت شهر

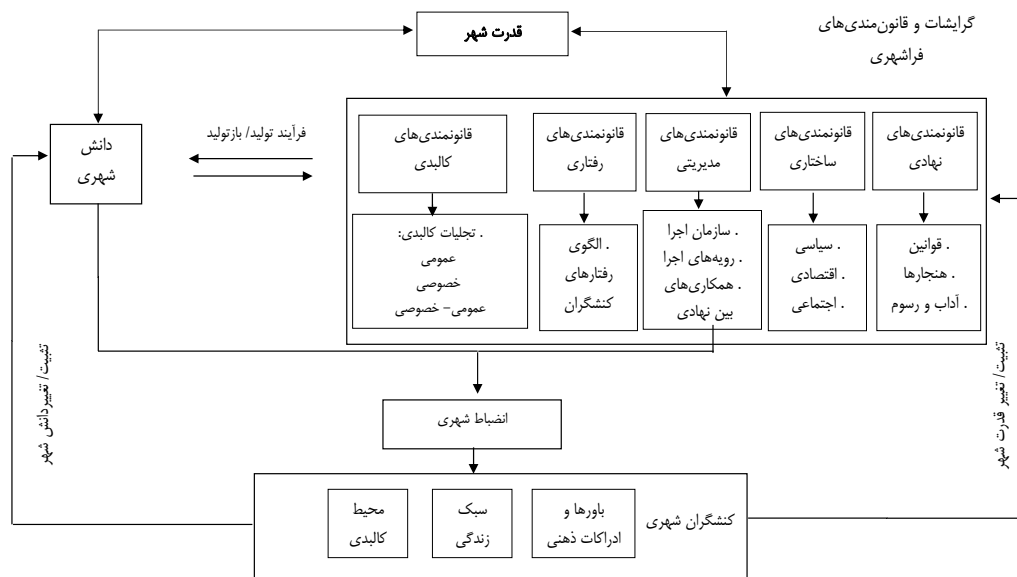
۳. براساس دیدگاه فوکو نسبت به قدرت که آن را عنصری همه‌جایی و فرآیندی دیده است و از منظر وی دانش، قدرت می‌آفریند و قدرت، دانش مورد نظر خود را تولید می‌کند، به کارگیری دوگانه قدرت- دانش یکی دیگر از پایه‌های تبیین قدرت شهر است.

بنابراین با الهام از دیدگاه‌های دودینگ، فوکو و لوفور می‌توان به تبیین مفهوم «قدرت شهر» پرداخت. با تکیه بر این نگاه‌ها، شهر موجودی است دارای قدرت که براساس دانش و قانون‌مندی‌های آن، قوانین و قواعد کلان برای اداره شهر تولید می‌کند که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. عملکرد قدرت در شهر و قدرت شهر دو اتفاق متفاوت است. عملکرد قدرت در شهر حاصلش تعارض و یا

انضباط آفرینی بر کنشگران شهری در ابعاد مختلف ذهنی، سبک زندگی و محیط کالبدی آن‌ها اثرگذاری می‌کند. در گام بعدی عکس‌العمل کنشگران شهری یا همراهی و تثبیت قدرت شهر و دانش شهر است و یا مقابله با آن و تغییر قدرت شهر و دانش شهر و در این معنا، تثبیت قدرت شهر/ دانش شهر به نهادینه‌شدن قانونمندی‌ها و دانش شهر انجامیده و مقابله با آن، به تغییر قانونمندی‌ها و دانش شهر منجر می‌شود.

در ذهن دست‌اندرکاران و مسئولان مدیریت شهری نقش بیندند، نوع نگاه‌ها و رویکردهای آنان به شهر، واقعی‌تر خواهد شد و به دنبال دگر شهر در شهر موجود نخواهند بود. در ادامه مدل مفهومی قدرت شهر در شکل ۳ آورده شده است. براساس این مدل مفهومی، در بستر گرایشات و قانون‌مندی‌های فراشهری، میان قانونمندی‌های حاکم بر شهر در ابعاد مختلف و دانش شهری روابط تولید و بازتولید شکل گرفته و ماحصل تعامل قانونمندی‌ها و دانش شهری در انضباط شهری و کنترل آن نمایان می‌شود. این فرآیند

شکل ۳: مدل مفهومی قدرت شهر



۷-۱- مطرح شدن رویکردهای نوین در ادبیات شهرسازی

یکی دیگر از مصادیق قدرت شهر در چارچوب دانش شهری، مطرح شدن دانش هوشمندسازی شهری و شهروند هوشمند است. مطرح شدن این نوع دانش شهری را نیز می‌توان در چارچوب مفهوم قدرت شهر تحلیل کرد که همزمان با تغییر و تحولات صورت گرفته در قانونمندی‌های نهادی (نظیر قوانین و مقررات پشتیبان مانند برنامه پنج‌ساله سوم شهرداری تهران ۱۳۹۲-۱۳۹۷ که در آن به موضوع هوشمندسازی شهری توجه ویژه شده است)، قانون‌مندی‌های ساختاری نظیر اراده سیاسی دولت در مقیاس شهری به پیگیری توسعه دولت الکترونیک و ارائه خدمات در بستر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و قانون‌مندی‌های مدیریتی نظیر اراده سازمان‌های مجری نظیر شهرداری تهران به ایجاد مرکز تهران هوشمند در زیر مجموعه سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران و هم‌چنین نقش فعال کنشگران شهری در بسط و توسعه این دانش، سبب شده تا دانش هوشمندسازی شهری مورد نیاز تلقی شده و جای خود را باز کند. بنابراین به‌طور کلی، قدرت شهر سبب

۷. بیان مصادیق و نمونه‌های عینیت یافتن قدرت شهر در شهر تهران

همان‌طور که در مدل مفهومی پژوهش عنوان شد، از برآیند فرآیند تولید و بازتولید قانون‌مندی‌ها در ابعاد مختلف و دانش شهری و هم‌چنین اثرگذاری کنشگران شهری، قدرت شهری پدیدار شده و می‌تواند به‌عنوان یک مؤلفه جدی در معادلات شهری نقش بازی کند. در این بخش تلاش شده تا مصادیق عینیت یافتن قدرت شهر در شهر تهران در دو موضوع محوری بحث و بررسی شود که عبارت‌اند از:

۱. مطرح شدن رویکردهای نوین در ادبیات شهرسازی؛

۲. اثرگذاری آن بر رفتارهای شهروندی

اثرگذاری قدرت شهر بر فرآیند توسعه شهر تهران مستلزم شناخت و کاربست دقیق متغیرهای فرآیند توسعه شهر تهران است، بنابراین باید به شاخص‌ها و سنجه‌های فرآیند توسعه شهر تهران توجه شود و براساس آن‌ها میزان اثرگذاری بررسی شود، با این حال در این بخش از مقاله صرفاً برخی از مصادیق و نمونه‌های عینیت یافتن قدرت شهر در شهر تهران بررسی شده و تدقیق و تعمیق آن نیازمند پژوهش جداگانه‌ای در راستای این مقاله است.

سه عرصه به وقوع بپیوندد، عرصه اول بعد نهادی و تغییر بینش و ذهنیت سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان امر توسعه شهری شهر تهران است. عرصه دوم، سبک زندگی و مناسبات اجتماعی آن‌هاست و عرصه سوم، محیط کالبدی و فضاهای شهری شهر تهران که طیف وسیعی از فضاهای خصوصی تا عمومی را در برمی‌گیرد و منجر به تولید سازمان فضایی متناسب با قدرت شهر و انتظام بخشی خاص به رفتار کنشگران شهری می‌شود.

در عرصه اول، اندیشیدن به مفهوم قدرت شهر از جانب متولیان امر توسعه شهر تهران سبب می‌شود آن‌ها به این باور برسند که در کنار توانایی‌ها و محدودیت‌های کنشگران (مؤلفه عاملیت^۸)، مؤلفه ساختار^۹ در چارچوب قانون‌مندی‌های مختلف سیاسی تا دانشی بر مطرح شدن مسائل، ارائه راه‌حل‌ها و پیامدهای تصمیمات اثرگذاری می‌کند. بنابراین براساس مدل پژوهشی این مقاله می‌توان قانون‌مندی‌ها را شناسایی کرده و در فرآیندی مستمر و اولویت‌دار نسبت به تغییرات آن در صورت لزوم اقدام کرد. بنابراین کشف و فهم قانون‌مندی‌های مذکور برای متولیان امر توسعه شهری بسیار ضروری است. در عرصه سبک زندگی، انتظام بخشی قدرت شهر به رفتار کنشگران می‌تواند در قالب مدل پوشش یا عملکرد شهروندان در فضای شهری متبلور شود. بنابراین قادر است مفهومی متفاوت از شهروند تهرانی در برابر شهروند یک شهر دیگر ایجاد کند. به این معنا که شهروند تهرانی باید به آپارتمان نشینی باور داشته باشد. به علاوه سبک رانندگی در آن و مدل ارتباطی شهروندان با یکدیگر متفاوت است. شاید در این زمینه شباهت‌هایی میان شهروندان شهرهای مختلف وجود داشته باشد اما تفاوت‌ها نیز قابل توجه بوده که نشان از هویت متمایز شهروند تهرانی دارد. در عرصه سوم نیز می‌توان برآیند قانون‌مندی‌ها و دانش شهری تولید شده در دهه‌های متمادی را که منجر به تولید فضا شده است مشاهده کرد و اگر محصول تولید شده ضامن منفعت عمومی نیست، کنشگری شهروندان می‌تواند با هدف تغییر قانون‌مندی‌ها و دانش شهری منجر به تولید فضای دیگری شود، همچنان که در سال‌های کنونی، عدم مناسب سازی فضاهای شهری در شهر تهران برای دسترسی گروه‌های خاص سبب شده تا با جنبش‌هایی احقاق حقوق این افراد در فضاهای شهری شهر تهران دنبال شود.

قدرت شهر موضوعی ایستا نبوده گرچه قانون‌مندی‌هایی به مانند سخت هسته در آن وجود دارد که در فرآیندی بلندمدت دچار تغییر و تحول می‌شوند. اما لایه‌های رویین خود با تغییر و تحولات سریع مواجه است و در فرآیندی دائمی قدرتش را در فضاهای عمومی تحمیل می‌کند و عناصر دیگر را وادار می‌کند که برایش راه حل جستجو کنند و نیازهایش را مرتفع کنند. قدرت شهر نوعی مقاومت به حساب می‌آید، مقاومتی در برابر تغییرات خاص که در چارچوب دانشی و اقتدار آن قابل هم‌نشینی نیست قدرت

مطرح شدن و لزوم به کارگیری هوشمندسازی شهری به‌عنوان دانش جدید شهری شده است.

۷-۲- اثرگذاری قدرت شهر بر رفتارهای شهروندی

مصادیق متعدد دیگری را نیز می‌توان به‌عنوان شواهد عینیت یافتن قدرت شهر در شهر تهران مشاهده کرد که از جنس انضباط آفرینی بوده و شهروندان را مجاب به رفتار و عملکرد خاص می‌کند و سبک زندگی آن‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد که برخی از آنان عبارت‌اند از:

- قدرت شهر تهران غالب ساکنان آن را مجاب می‌کند که در ساختمان‌های آپارتمانی زندگی کنند و آزادی عمل خود را محدود کنند و این را مبدل به یک ارزش سکونت می‌کند. همچنان که در اوایل انقلاب اسلامی، آپارتمان‌نشینی نوعی کلاس خاص برای تهرانی‌ها به حساب می‌آمد.

- قدرت شهر ساکنان را مجاب می‌کند که تابع تصمیم‌گیری مدیریت شهری برای بارگذاری‌ها در فرآیند احداث بنای جدید در چارچوب طرح تفصیلی باشند.

- قدرت شهر مدیران شهری را وادار می‌کند برای تنظیم امور شهری قوانین را طراحی کنند که در این راستا پارلمان شهری تشکیل شده و ساز و کار ترسیم قوانین را طراحی کند.

- قدرت شهر برای نظارت بر فعالیت مدیریت شهری ساکنان را وادار می‌کند گروه‌های مردمی تشکیل دهند و فرصت رسانه شهری را برای آن‌ها ایجاد کند.

مصادیق مختلف دیگری نیز می‌توان عنوان کرد که نشان‌دهنده انضباط آفرینی در مقیاس شهری بر کنشگران آن در ابعاد مختلف باورها و ادراکات ذهنی، سبک زندگی و محیط کالبدی باشد که حاصل فرآیند تولید/ بازتولید دانش شهری و مجموعه قانون‌مندی‌های نهادی، ساختاری، مدیریتی، رفتاری و کالبدی حاکم بر شهر تهران باشد. در این زمینه یکی از موضوعات کلیدی هویت شهروند تهرانی و برند شهر تهران در مقیاس ملی و بین‌المللی است. اگر از زاویه مدل مفهومی قدرت شهر به این دو موضوع نگریسته شود می‌توان مختصات هویتی و آنچه را که به‌عنوان «بچه تهرون» در ادبیات عامیانه به‌کار گرفته می‌شود، تعریف کرد.

۸. واکاوی اثرات قدرت شهر در فرآیند توسعه شهر تهران

مفهوم «قدرت شهر» می‌تواند چه ارزش افزوده‌ای ایجاد کند؟ به نظر می‌رسد «قدرت شهر» مفهومی انتزاعی است که در مواردی عینیت نیز یافته و آثار آن ملموس و قابل مشاهده است. قدرت شهر در معادلات توسعه شهری در سطوح مختلف سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی شهری و اجرای برنامه‌های توسعه شهری اثرگذاری به‌سزایی دارد. بستر اعمال قدرت شهر و اثرات و پیامدهای آن می‌تواند در

کلان شهر و انتظام بخشی به رفتار کنشگران شهری در مقیاس فضاهای شهری است.

قدرت شهر مشابه مفاهیم مرتبط با قدرت شهری است اما، از آن ها متمایز است. قدرت شهر منحصر به افراد، گروه ها و یا صنایع خاص نیست و هم چنین منحصر به مجموعه روابط قدرت در درون شهر نیست بلکه موجودیتی و رای آن ها و ترکیبی از آن ها است که خود تشخیص ذهنی و فضایی دارد. در واقع قدرت شهر بستری فضایی - دانشی است که بر مبنای کنش ارتباطی شکل گرفته و قادر است معادلات قدرت در شهر را تحت تأثیر قرار دهد. غیبت این عامل در ترسیم برنامه های شهری و اندیشه برنامه سازان و سیاست گذاران منجر به اتخاذ تصمیم هایی می شود که در عمل با موانع زیادی روبه رو می شود موانعی که قدرت آن را دارند که برنامه های تدوین شده را با انفصال یا حتی شکست روبه رو کنند. دانش تولید شده توسط قدرت شهر فرصت این را می دهد که توسعه عرضی و کیفی شهر در مسیر تعامل قدرت های درونی به نمود شهر در بیاید. به بیان دیگر، همه عوامل صاحب قدرت در شهر در تعامل با هم در نهایت موجودی را صاحب قدرت می کنند که شهر نامیده می شود و این شهر خودش سنتز تمامی قدرت های درون خودش است پس با آن ها در تعامل است و عدم تعامل منجر به تضعیف آن می شود این نوع نگرش امکان دیده شدن قدرت شهر را بیش تر می کند. در پرتو تبیین مفهوم قدرت شهر، فضا خود حاصل قدرت می شود اما بعد خودش عنصر قدرت می شود. لذا، نوعی رابطه متقابل میان این دو است که حاصل دانشی شکل یافته بر مبنای نیاز فردی، جمعی و نهادی است. به عبارتی اگرچه قدرت اصلی شهر، انضباط بخشی به فضا است (انضباط نقاط، محورها و پهنه های شهری در قالب سازمان فضایی شهر) اما، جملگی بستری برای باز تولید قدرت برای شهر محسوب می شوند. در واقع، از آنجا که فضا تعیین روابط و خواسته هاست بازنمایی مدیریت و قدرت نیز است و در نتیجه خودش به عنصر قدرت مبدل می شود که بر گفتمان ها و روابط تأثیر گذار است. در این جریان، گفتمان حاصل شده دیالکتیکی است که موجبات شکل گیری موجودی تازه و قدرتمند می شود. این گفتمان می تواند رفتارها را تغییر داده، دانش را در مسیر اهدافش مدیریت کرده و صاحبان قدرت اولیه را در چالش های تازه وارد کند که این همان مفهوم جدید «قدرت شهر» است.

شهر برنامه ریزان را وادار می کند که منابع آبی و انرژی را پیش تدارک ببینند و نیازهای دانشی و اجرایی مربوط به پسماند را مرتفع کنند و آن ها را وادار می کند در مسیر دانشی حرکت کنند که او نیاز دارد. قدرت شهر دانش مورد نیازش را در بقا و استمرار و حفظ قدرت خودش تعبیه می کند.

۹. جمع بندی و نتیجه گیری

در یک جمع بندی می توان مسیر تولید مفهوم قدرت شهر را طی کرد. ابتدا اجتماع افراد در قلمرویی فضایی و ایجاد مناسبات مبتنی بر تخصص به جای روابط خویشاوندی هسته شکل گیری یک شهر و هسته شکل گیری قدرت شهر می شود. طبیعی است در این مرحله قدرت شهر در مرحله طفولیت خود به سر می برد. شهروندان ساکن این شهر به مرور زمان مجموعه روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی میان خود در سطوح فضایی مختلف از مقیاس محله تا شهر برقرار می کنند که منجر به ایجاد قانونمندی های کلانی در مقیاس شهر و دانش متناسب خود می شود این ویژگی ها، این شهر را از سایر شهرها متمایز کرده و به آن ویژگی های خاص خود را می دهد. هویت خاص شکل گرفته شهروندان و فضاهای شهری با گذشت زمان، برهم کنش قدرت در سطوح خرده فضاها، اثرگذاری بهره وران قدرت شهری و به طور کلی قدرت در شهر از یک سو و قدرت شهر از سوی دیگر سبب توسعه و یا انحطاط در زمینه های مختلف شهری می شود. در هر صورت با گذشت زمان و طی شدن دهه ها و سده ها از زمان زایش یک شهر، مجموعه ای از قانونمندی های نهادینه شده در مقیاس شهر به صورت کل یکپارچه (هسته سخت) با عنوان «قدرت شهر» شکل می گیرد که تغییر آن ها به شدت سخت و زمان بر بوده، اما در لایه های بیرونی خود از انعطاف بیش تری برخوردار است. نمود ذهنی قدرت شهری بر انگاره های ذهنی مدیران، مسئولان و مجریان امور شهری متجلی شده هر چند که این افراد می توانند به قدرت شهر توجه نکرده و در مدارهای فکری دیگری حرکت کنند اما در نهایت در عمل با مقاومت قدرت شهر در تصمیمات خود و یا در زمان اجرای برنامه های خود مواجه خواهند شد و نمود بیرونی و عینی آن در بستر فضاهای شهری و تولید سازمان فضایی شهر در مقیاس

پی‌نوشت

1. Forester
2. Healy
3. Innes
4. Sandercock
5. Domination
6. Authority
7. Lasswell
8. Agency
9. Structure

REFERENCES

- Dowding, K. (1996). Power, (Abbas Mokhber, Trans.). Tehran, Ashiayan Press.
- Forester, J. (1989). Planning in the Face of Power, Berkeley, University of California Press.
- Forester, J. (1999). The Deliberative of Practitioner, Cambridge, MIT Press.
- Gottdiener, M. (1993). A Marx for Our Time: Henri Lefebvre and the Production of Space. *Sociological Theory*, 11(1), 19-134. <https://doi.org/10.2307/201984>
- Gottdiener, M.D., & Budd, L. (2005). Key Concepts in Urban Studies, (Abdolreza Adhami, Trans.). Tehran, Bahmanborna.
- Haghighat, S.S. (2002). Distribution of Power in Shiite Political Thought, Hastinema, Tehran.
- Healy, P. (1992a). In Search of Democracy, Unpublished Paper Presented at Planning Techniques and Institutions Conference, Palermo.
- Healy, P. (1992b). Planning through Debate. *Town Planning Review*, 63(2), 143-162. <https://www.jstor.org/stable/40113141>
- Healy, P. (1997). Collaborative Planning, Basingstoke, Macmillan.
- Hillier, J. (2003). Shadows of Power: an Allegory of Prudence in Land use Planning, (K. Puladi, Trans.). Tehran. Society of Consulting Engineers.
- Innes, J. (1995). Planning Theory's Emerging Paradigm: Communicative Action and Interactive Practice. *Journal of Planning Education and Research*, 14(3), 183-9. <https://doi.org/10.1177/0739456X9501400307>
- Innes, J. (1996). Planning through Consensus Building. *Journal of American Planning Association*, 62(4), 460-472. <https://doi.org/10.1080/01944369608975712>
- Innes, J. (1998). Information in Communicative Planning. *Journal of American Planning Association*, 64, 1, 52-63. [http://www-personal.umich.edu/~sdcamp/up540/temporaryreadings/Innes,%201998%20\(JAPA\)%20Information.pdf](http://www-personal.umich.edu/~sdcamp/up540/temporaryreadings/Innes,%201998%20(JAPA)%20Information.pdf)
- Kazemian, G.R. (2004). Defining the Urban Governance and Power Structure with Spatial Organization (Case: Tehran Metropolitan Area), Ph.D. Thesis in Gheography and Urban Planning, Tarbiat Modares University.
- Mollenkopf, J. (1994). How to Study Urban Political Power. in "The Urban Politics Reader" (2007), Edited by Elizabeth, A. Storm and John H. Mollenkopf, Urban Reader Series, New York, Routledge Publication, 99-110.
- Parhizkar, A., & Kazemian, G.R. (2005) Necessary of Urban Governance Approach in Management of Tehran Metropolitan Region. *Iranian Journal of Economic Research*, 1, 29-50.
- Parker, S. (2011). Cities, Politics and Power. New York, Routledge Press.
- Sandercock, L. (1998). Towards Cosmopolis, New York, Wiley.
- Torkameh, A., & Shirkhodaei, A. (2015). Henri Lefebvre and the Production of Space. *Journal of Society Culture Media*, 4(14).

نحوه ارجاع به این مقاله

نژادبهرام، زهرا و جلیلی، سید مصطفی. (۱۳۹۹). تبیین مفهوم «قدرت شهر» و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۳)، ۲۶۷-۲۷۸.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.208096.2037

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_127778.html

